

کتاب مقدس برای کودکان  
تقدیم می کند

عیسی و زکای  
خراجگیر



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest

Alastair Paterson

بازگویی از: Ruth Klassen

ترجمه شده توسط: آرمین باقری

ناشر: Bible for Children

[www.M1914.org](http://www.M1914.org)

©2021 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ  
نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.





یک روز عیسی وارد  
شهری به نام آریحا شد.  
این شهر سال های  
بسیار دور توسط  
یوشع ویران شده بود.  
اما امروزه این شهر  
باسازی شده و مردمان  
زیادی در آن زندگی  
می کردند. در میان این  
مردمان مردی زگا نام  
زندگی می کرد.

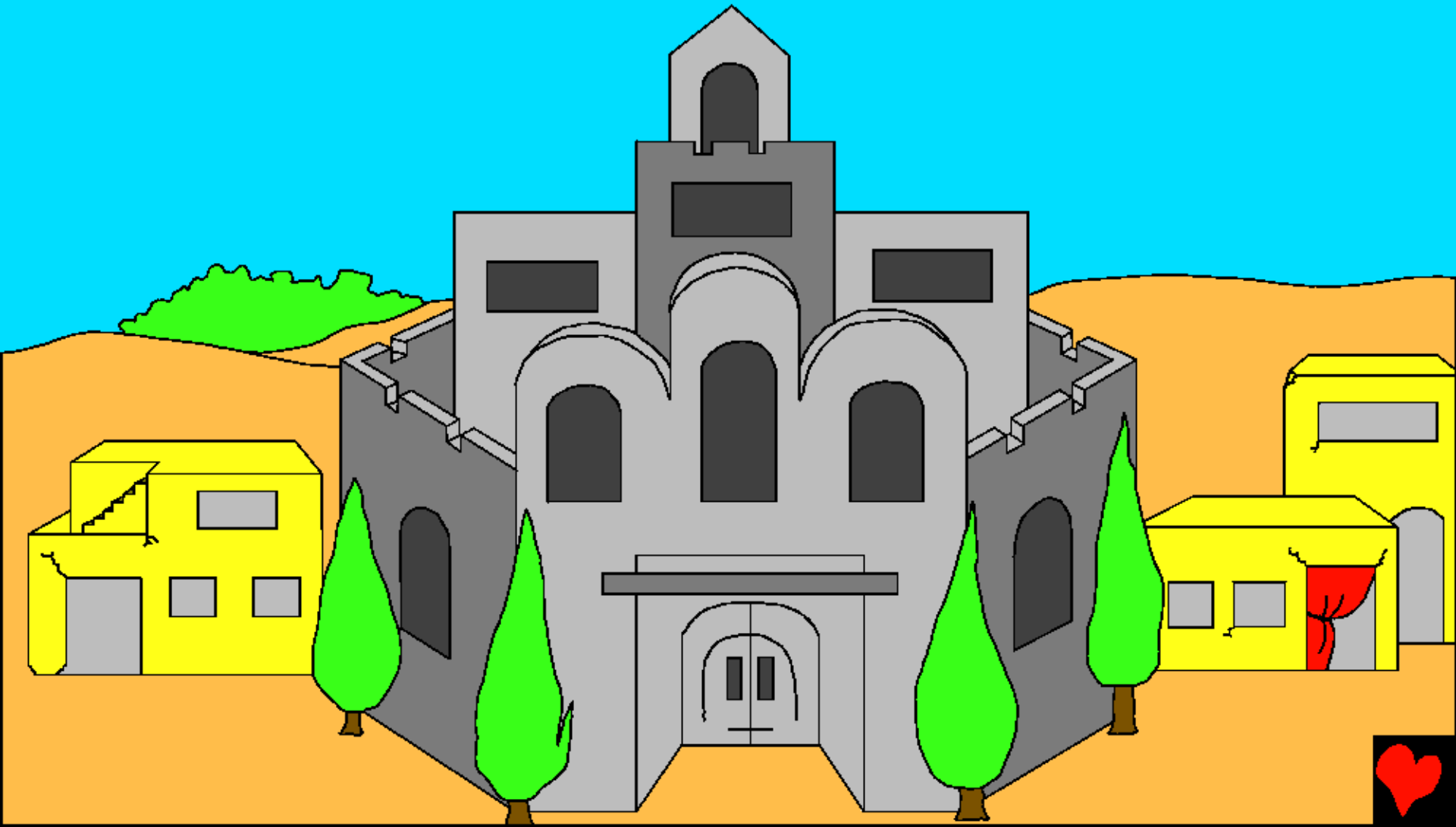




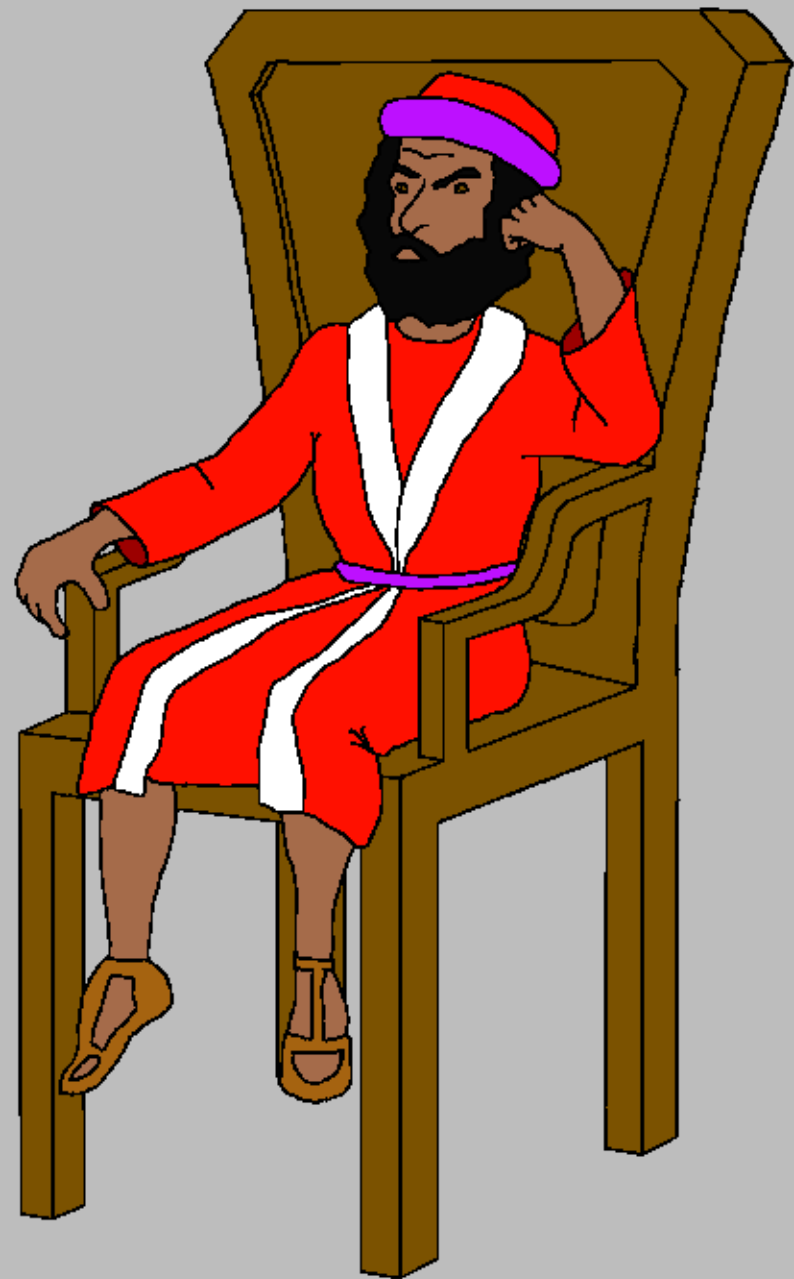
مردم آریحا زگا را دوست نداشتند، زیرا زگا  
مسئول جمع آوری مالیات بود. او مقدار کمی  
از مالیات جمع آوری شده را به حکومت  
می داد و مابقی را برای خود بر میداشت.

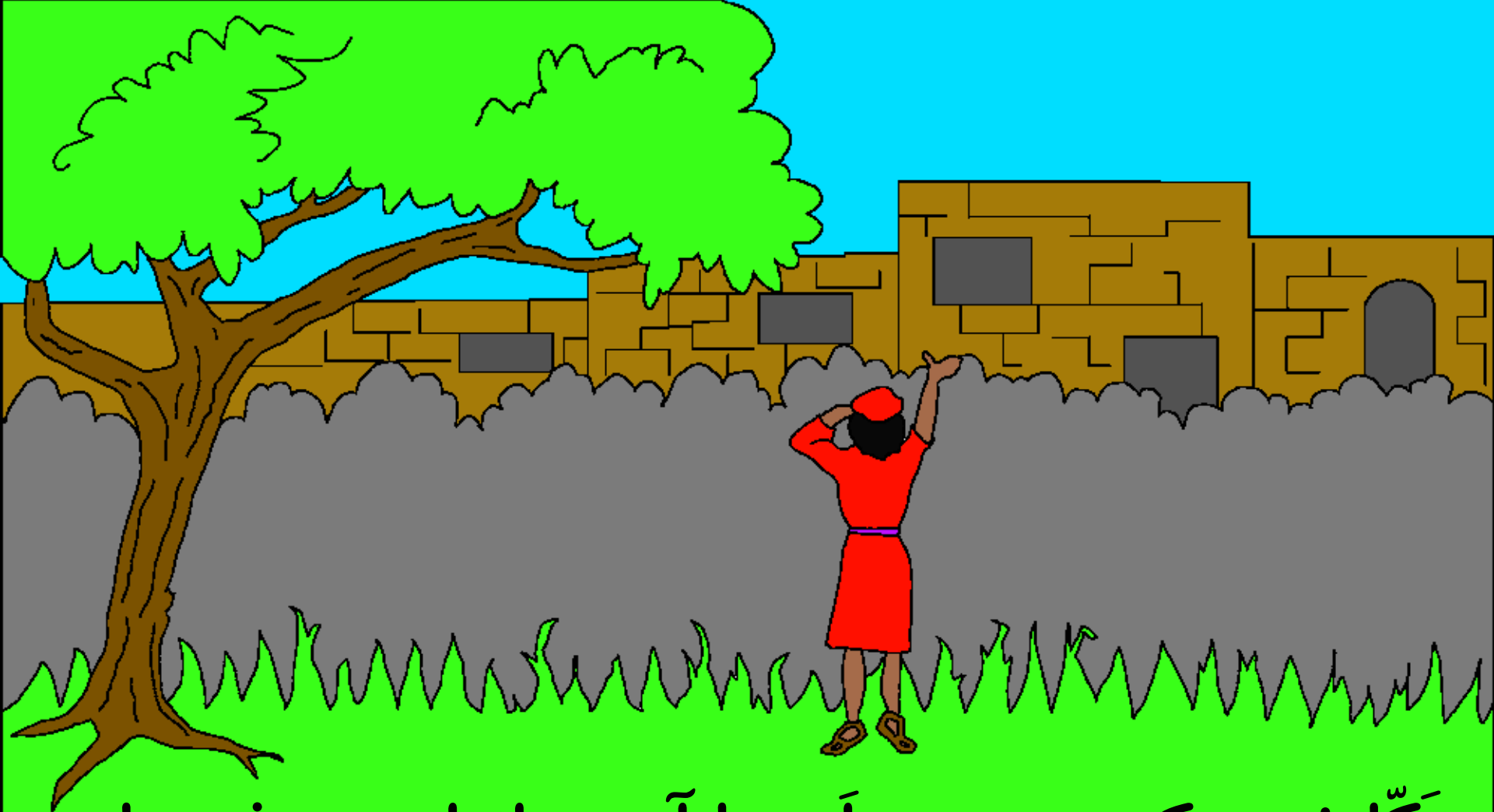


این شغل زکا او را بسیار ثروتمند کرده بود. خانه او  
بهترین و همچنین بزرگترین خانه شهر بود.



در عین حال او  
بسیار کوتاه قد  
بود. قد او بسیار  
کوتاه تر از سایر  
مردم بود.





زگا شنید که عیسی به آریحا آمده، از اینرو رفت تا شخصی را که می‌گفتند فرزند خداست ببیند. اما به دلیل کوتاهی قد و ازدحام جمعیت نمی‌توانست.





زگّا یک ایده به فکرش  
رسید. یک درخت چنار  
آنجا بود، اگر از درخت  
بالا می رفت می توانست  
عیسی را ببیند.





او از آن درخت بالا رفت و بر  
شاخه ای منتظر نشست تا  
عیسی بیاید. او با خود می  
گفت: من دید بسیار  
خوبی به جاده دارم و  
می توانم عیسی را  
بینم بدون اینکه

کسی متوجه

من شود.



اما طولی نکشید  
که زگا صدایی شنید  
«زود بیا پایین.» این  
صدای عیسی بود، او  
زیر درخت ایستاده  
بود و زگا را  
صدا می کرد.





زگا، از اینکه می شنید  
عیسی او را صدا میزند  
متعجب شده بود و زمانی که  
صدای عیسی را شنید که به  
او گفت: «امروز را در خانه  
تو می مانم» حیرت زده  
شد. او بی درنگ از  
درخت پایین آمد.



او از اینکه عیسی می‌خواست به خانه اش برود،  
بسیار هیجان زده بود. مردم از این اتفاق  
ناراحت بودند. آنها لب به شکایت

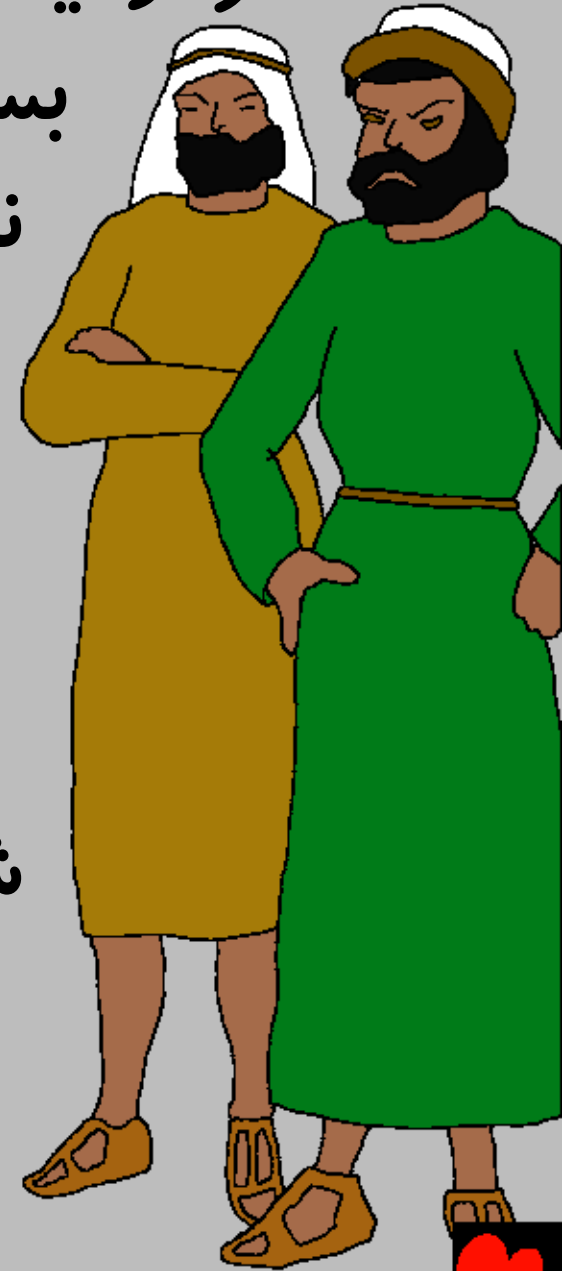
گشوده و می‌گفتند:

«عیسی نباید وارد خانه

گناهکاری همچون

زَگا

شود.»

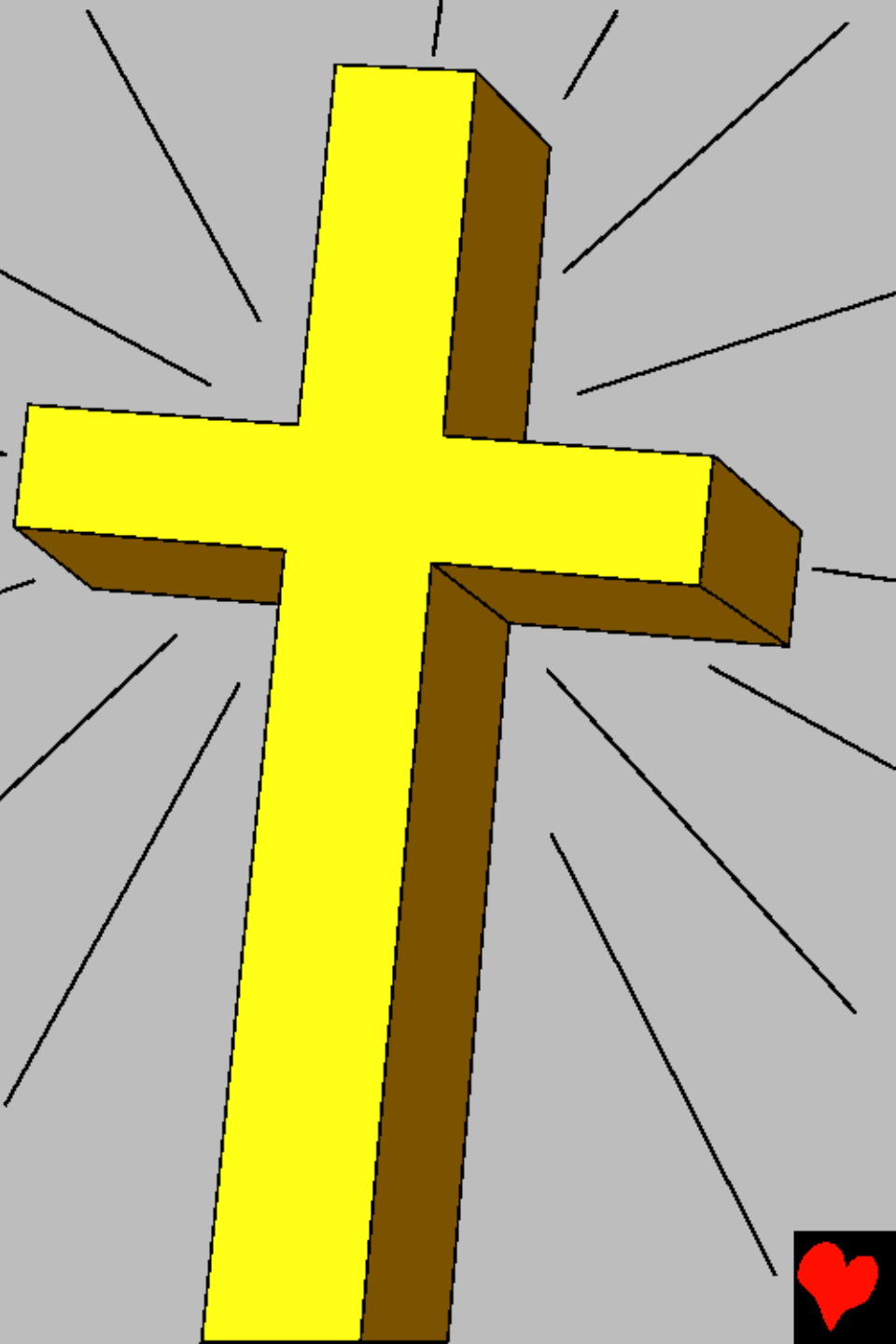




عیسی زندگی جدیدی  
را برای زگا به ارمغان  
آورد به طوری که زگا  
گفت: «خداوندا من  
نیمی از دارایی خود  
را به فقیران خواهم  
داد و اگر مال کسی  
را به ناحق گرفته  
باشم، چهار برابر آن  
را پس خواهم داد.»



عیسی از زندگی جدید زگا  
شادمان بود. او دوست  
داشت مردم گناه را کنار  
گذاشته و کارهای  
نیک انجام دهند. سپس  
عیسی فرمود: «پسر  
خدا آمده تا گمشده را  
بجوید و نجات دهد.»  
آن روز در آریحا عیسی  
زگا را یافت و نجات داد.



عیسی و زکّای خراجگیر

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدّس

بر اساس

لوقا باب ۱۹

" کشف کلام تو نور می‌بخشد. "

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



پایان





داستانهای کتاب مقدس با ما در بارهٔ خدایی  
صحبت می‌کنند که ما را آفرید و ارادهٔ او این  
است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی  
که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است، اما  
خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانهٔ خود را  
فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد.  
عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا  
رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که  
گناهان تو را ببامرزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو  
خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.



اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را  
بکن: عیسای عزیز من ایمان دارم که تو خدا هستی، و به  
صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و  
اکنون زنده هستی. خواهش می‌کنم که وارد زندگی من  
بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته  
باشم و برای همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به  
عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای  
تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!  
انجیل یوحنا ۳: ۱۶

